

## موقعیت جغرافیایی خلیج‌ها در اسناد و رویه‌های قضائی بین‌المللی

فاطمه دلیر گوگانی<sup>۱</sup>، دکتر ثریا چیت ساز احمدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت، fdalir94@gmail.com

<sup>۲</sup>دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت، dr.s.cha@gmail.com

### چکیده

حقوق بین‌الملل دریاها به قواعدی اطلاق می‌شود که دولت‌ها در روابط بین‌المللی خود راجع به امور دریایی بحث می‌کنند این حقوق علاوه بر اعمال کشورها و واحدهایی که دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است، بر روی افراد نیز تأثیرگذار می‌باشد. در خصوص خلیج‌های کوچک، حقوق بین‌الملل دریاها همواره پذیرفته است که این خلیج‌ها ارتباط نزدیکی با قلمرو سرزمینی دارد و مناسب‌تر است که آن‌ها را جزء آب‌های داخلی دانست تا دریای سرزمینی. آبهای داخلی به آبهای گفته می‌شود که میان ساحل یک کشور و خط مبدأ دریای سرزمینی واقع شده است. قاعده معمولی حقوق بین‌الملل عرفی درباره اینگونه خلیج‌ها این است که خط مبدأ آنها را نمی‌توان توسط خطی که در دهانه خلیج کشیده شده ترسیم نمود بلکه بجای آن خط مبدأ به عنوان خط پست ترین جزر آب در امتداد سواحل خلیج خواهد بود. اما در عین حال روشن شدن ابهامات در این خصوص بستگی به حقوق بین‌الملل عرفی دارد به شرطی که مدعیان این امر بتوانند اثبات کنند که این خلیج‌ها به عنوان بخشی از آبهای داخلی آنها بوده و بر آن اعمال قدرت نموده اند همچنین در مدت زمان اعمال قدرت، اعتراضی از جانب سایر دولتها واصل نشود.

خلیج‌های کوچک (خورها) به‌عنوان راه مواصلاتی بوده و منطقه اقتصادی از جهت پتروشیمی، نفت و گاز طبیعی می‌باشند. وجود آبریان و مواد معدنی موجود در کف خلیج، از جمله امتیازات دیگر آن‌ها می‌باشد که این امر سبب غنی شدن آن‌ها می‌گردد. موضوع مهمی که در خصوص خلیج‌های کوچک در مقایسه با خلیج‌های بزرگ مطرح می‌باشد این است که شرایط خلیج‌های بزرگ باعث می‌شود که به یک منطقه بین‌المللی، راهبردی و استراتژیک از نظر اقتصادی، نظامی و سیاسی در میان چندین کشور تبدیل گردند و این در حالی است که کاربرد خلیج‌های کوچک در سطح یک یا چند کشور آن‌هم از لحاظ اقتصادی خواهد بود.

### واژه‌های کلیدی

کلیدواژه‌ها: خلیج‌های کوچک (خورها) - آبهای داخلی - آبهای سرزمینی - خط مبدأ

### مقدمه

حقوق دریاها از شعبات نوین حقوق بین‌الملل است که به بررسی مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر کشورها در روابط بین‌المللی خود

در مناطق مختلف دریایی می‌پردازد. حقوق دریاها در هر زمان لازم‌الاجراست اما ممکن است در شرایط خاص مثلاً در زمان جنگ، برخی از قواعد آن به حالت تعلیق درآید و یا قواعد خاصی اجرا گردد که در این شرایط حقوق جنگ دریایی تضمین‌کننده این قواعد خاص است. اغلب علمای علم حقوق، سرمنشأ تدوین حقوق بین‌الملل از جمله رشته حقوق دریاها را به سبب وجود کنفرانس لاهه ۱۸۹۹، کنفرانس لاهه ۱۹۰۷، اقدامات جامعه ملل، سازمان ملل متحد، کنوانسیون ۱۹۵۸، کنوانسیون ۱۹۸۲ و اقدامات انجام‌شده توسط انجمن حقوق بین‌الملل و مدرسه حقوق بین‌الملل هاروارد در اواخر قرن نوزدهم می‌دانند. این موضوع که در کشف قواعد حقوق بین‌الملل، آموزه‌های علمی یا دکتترین نقش مهمی داشته‌اند در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به‌صراحت آمده است لیکن تأثیر آن در تمامی ادوار تاریخ بین‌الملل به یک‌میزان نبوده است. در حال حاضر نیز با توجه به رشد و گسترش سازمان‌های بین‌المللی به سبب تدوین، توسعه، پیشرفت و یا همکاری‌های انجام‌شده به‌صورت غیرسازمانی، در چارچوب معاهدات دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی، نقش و جایگاه آن تغییر چهره پیدا کرده است. حقوق دریاها همچون بسیاری از رشته‌های حقوق بین‌الملل، ابعاد بسیار گسترده‌ای پیدا کرده است که برخی از رشته‌های آن به رشته‌های تخصصی متعددی هم تقسیم‌شده است. باین‌وجود در کشور ایران این شاخه از حقوق به‌عنوان یکی از رشته‌های جوان بوده و مباحث بسیاری از آن نیازمند فعالیت پژوهشی و تحقیقاتی کارشناسان در این خصوص هست. قواعد حقوق بین‌الملل از جمله حقوق دریاها، امری انتزاعی نیست که در ذهن نقش ببندد بلکه در جهت تبیین عمل و کیفیت زندگی و تنظیم روابط بین‌المللی موجود و عینی در حیات بین‌المللی مطرح می‌شود که در این خصوص بایستی به نتایج و آثار هر یک از قواعد حقوقی حاکم بر دریاها و اقیانوس‌ها، به‌عنوان مهم‌ترین راه‌های مواصلاتی ملل مختلف و لزوم ضرورت استقرار نظم و قانون درصحنه مناسبات بین‌المللی توجه کافی شود تا بدین‌وسیله تفاوت و تغییر حاصل از دگرگونی قواعد درصحنه مناسبات بین‌المللی و حیات کشورها آشکار شود. حیات جامعه بین‌المللی بستگی زیادی به ارتباطات دریایی دارد و از حیث گسترش روابط بین‌المللی حائز اهمیت است زیرا تا مدت‌زمانی طولانی، کشتیرانی مهم‌ترین و